

اصلاحات اداری داریوش بزرگ و قراردادن مصر به عنوان يك ايالت ايران

4 ژوئيه سال 489 پيش از ميلاد داریوش بزرگ - شاه شاهان - که بر تمرکز امور و ایرانی بودن هر کار تعصب می ورزید و پیدایش ناسیونالیسم نیرومند ایرانی را به او نسبت می دهند تصمیم گرفت که قلمرو ایران به 30 ایالت تقسیم شود و هر ایالت را ساتراپی (واژه ای مادی است) نامید (ایالت های فعلی ایران نیز «استان» خوانده می شوند که اختصاص به ایالت ایران دارد و نمی توان ایالت کشور دیگر را «استان» ترجمه کرد) و دستور داد که با تاسیس پستخانه ارتباط مردم این ایالتها با هم تامین شود و داد و ستد با پول انجام شود (سکه هایی که ضرب کرده بود). مصر یکی از ساتراپی های ایران آن زمان بود که داریوش توجه خاصی به آن داشت. داریوش همچنین دستور داد که میان شوش و سارد (نزدیک مدیترانه) يك شاهراه اراهه رو ساخته شود (این راه به طول 2700 کیلومتر کشف شده است که در بسیاری از قسمتهايش، نوعی اسفالت بود) و ... داریوش سه سال بعد درگذشت و در گوري در «نقش رستم» که از قبل آماده کرده بود دفن شد. هنگام مرگ داریوش، هنوز ساختمان تخت جمشید کاملا تکمیل نشده بود که کار ساختن آن به تصمیم او آغاز شده بود.

به نوشته ي «كارول میسلویك Mysliwiec Karol» باستان شناس در كتاب تاريخ و روشن های مصر باستان of Ancient Egypt The Twilight، انتشارات دانشگاه کرنل (آمریکا)، صفحات 135 تا 191؛ ایرانیان از سال 525 تا 404 پيش از ميلاد (تقریباً 121 سال) بر مصر حکومت کردند و در تاریخ مصر سلسله بیست و هفتم خوانده می شوند، ولی روش مدیریت و فرهنگ ایرانی سه قرن در آن کشور باقی بود. کارول نوشته است:

«با وجود برچیده شدن حکومت ایرانیان بر مصر در سال 404 پيش از ميلاد، یهودیان مصري تا دهها سال پس از آن هم خود را از اتباع امپراتوری ایران می دانستند. مصر توسط کامبوزیا (کامبیز) دوم پسر کوروش بزرگ تصرف شده بود. وی شرق لیبی و شمال سودان را هم برخاک مصر اضافه کرده بود و مصر را که سالها به دو بخش علیا و سفلی تقسیم شده بود و دارای دو حکومت جدا از هم بود به صورت يك کشور واحد درآورده و شهر «ممفیس» را پایتخت مصر واحد قرار داده بود.»

مؤلف كتاب که خود در اکتشافات باستان شناسی مصر نقش داشته و يك باستان شناس معروف است ادعای مورخان یونانی را که نوشته اند «کامبیز» گاو مقدس مصریان «آپیس Apis» را گردن زد قویا رد می کند و می گوید که این دروغ ناشی از دشمنی و حسادت یونانیان نسبت به ایران، تنها ابر قدرت آن زمان، بوده است که می خواستند ایرانیان را به وحشی گری متهم کنند. اکتشافات اخیر ثابت کرده است که گاو مقدس مصریان پس از مردن آن حیوان در سال ششم فرمانروایی ایرانیان؛ به دستور کامبیز با تشریفات رسمی در داخل تابوت دفن شده و این تابوت با نوشته های روی آن، اینک در دست است.

از خصوصیات امپراتوری هخامنشی ایران این بود که به آئین های ملل تحت سلطه خود کاری نداشت. کامبیز (در سنگنبشته های ایران تلفظ آن کمبوجیاست) تنها دستور داده بود که مصریان باید کفش برپا کنند و به جای لنگ (به ضم لام) شلوار بلند بپوشند. ایرانیان آن زمان - زن و مرد - شلوار می پوشیدند و شلوارهای آنان بی شباهت به شلوارهای بلوچها و کردهای امروز نبود. کامبیز طبق سندی که اینک در موزه واتیکان است دریا سالار مصري Udjahorresnet را به عنوان مشاور ویژه خود برگزیده بود. شاه ایران با این که یکتاپرست بود و فقط به «اهورا مزدا» ایمان داشت مصریان را از عبادت خدایان متعدد خود باز نداشت و آیین زرتشت را به آنان تحمیل نکرد.

مؤلف سپس به دیدار داریوش اول از مصر پرداخته و نوشته است: برخلاف کامبیز، داریوش اجازه نداد که مصریان او را «فرعون» بخوانند. وی مصر را به صورت يك ساتراپی ایران درآورد - همین عنوانی که امروز ایالات ایران به آن نامیده می شوند: Ostan استان. داریوش بود که دستور داد تاریخ مصر از آغاز کار تا زمان او جمع آوری و تدوین شود. او دستور داد که از آن پس دستورهای دولتی و ضوابط، علاوه بر خط میخی به خط هیروگلیف مصري هم نوشته شوند که نمونه های متعددی از آن، از جمله در آپادانا باقی مانده است. داریوش برای سهولت رفت و آمد میان ایران و مصر دستور داد که میان دریای سرخ و رود نیل آبراهی بسازند که آثار آن و کتیبه مربوط به اتمام این آبراه که صدها سال دایر بود و بر اثر توفان شن بر شده است به دست آمده و موجود است. در طول این کانال تخته سنگهای تراشیده شده به دست آمده که در آنها تاریخ اتمام هر قطعه از آبراه حک شده است و این سنگها در دست است. در يك سنگنبشته آمده است که روز افتتاح آبراه، قطاری مرکب از 26 کشتی از آن عبور کردند و این نوشته به چهار زبان و دو خط است (میخی و هیروگلیف). از همین دوران اثری به دست آمده که عبارت است از مخلوطی از علامت ایران (بالهای باز شده مرغ با سرانسان و کلاه پارسی) و علائم قدیم مصر علیا و مصر سفلی که نشانه وحدت مصر واحد با امپراتوری ایران است. لوح داریوش به

مناسبت پایان آبراه «دریای سرخ - نیل» در قرن 20 به دست آمده است. وی در سنگنبشته هایش خود را داریوش پسر ویشتاسپ هخامنش (ویشتاسپ در فارسی امروز به گشتاسپ تبدیل شده است) خوانده که از همان زمان احترام عمیق به پدر و بکار رفتن نام او پس از نام فرد در جهان رواج یافته است. معبدی که داریوش در مصر ساخت، هنوز تقریباً به طور کامل در منطقه واحه El-Kharga موجود است.

داریوش کوشش قابل ملاحظه برای ترویج آیین زرتشت در میان مصریان نکرد و این امر موید این فرضیه است که ایرانیان آیین زرتشت را ویژه آریائی‌ها (آرین‌ها) و شایسته آنان می‌دانستند، نه همه نژادها. نام بیشتر فرمانداران ایرانی مصر که به آنجا فرستاده می‌شدند همراه با واژه آرین بود. برای مثال: آریاندس Aryandes. در ستونی که در کاخ آپادانا (شوش) به دست آمده روی شنل لباس مجسمه ای که سر و گردن آن ناپدید است نیز نوشته‌هایی به خط میخی و هیروگلیف (مصری) است و این نشانه ارتباط استوار دو سرزمین است. یکی از فرمانداران ایرانی مصر «آرشام» نام داشت.

مؤلف در این فصول به تحریک سیاسی مصریان توسط یونانیان و دوبار نافرمانی آنان پرداخته که هر دو شورش با خشونت تمام توسط نیروهای اعزامی از جنوب ایران (فارس و کرمان) سرکوب شده است. مصر پس از سلطه ایران تا نیمه قرن 20 استقلال کامل به دست نیاورد. پس از ایرانیان، مقدونی‌ها سپس رومی‌ها، آنگاه اعراب مسلمان و سوری‌ها و پس از آنها هم عثمانی و انگلستان بر مصر تسلط داشتند. یک بار هم ناپلئون آنجا را گرفت. ایرانیان اواخر دوران ساسانیان (پادشاهی خسرو پرویز) یک بار دیگر مصر را به تصرف خود درآورده بودند.



<http://www.denaboy.persianblog.ir>

وبلاگ کرانه گمنام

<http://www.et4ir.blogfa.com>

وبلاگ آموزش های کاربردی

<http://denaboy.parsaspace.com>

وبسایت فرزند دنا

مدیر سایت و وبلاگ ها : فرید نیک اقبالی